

## ارائه الگوی مناسب صلاحیت‌های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی

یوسف مرادیان<sup>۱\*</sup>، زهرا اسمعیل پور<sup>۲</sup>، حکیم سحافی<sup>۳</sup>

۱. کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، آموزش و پرورش استان البرز، ایران. (نویسنده مسئول).

۲. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی، آموزش و پرورش استان البرز، ایران.

۳. گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران.

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره ششم، شماره پنجاه و پنجم، سال ۱۴۰۰، صفحات ۴۲۹-۴۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۵/۲۵

### چکیده

این پژوهش باهدف ارائه الگوی مناسب صلاحیت‌های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی اجرا شد. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی، از نظر داده‌ها، آمیخته اکتشافی متوالی و نوع مطالعه در بعد کیفی " داده بنیاد " با رویکرد اشتراوسی و در بعد کمی، پرسشنامه محقق ساخته است. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر، کلیه‌ی مدیران مدارس ابتدایی نواحی چهارگانه کرج در سال تحصیلی (۱۴۰۰-۱۳۹۹) است؛ که تعداد آن‌ها ۴۵۰ نفر بوده‌اند. ابتدا در مرحله کیفی از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۸ نفر از متخصصان و صاحب‌نظران و مدیران مدارس که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده بودند، مؤلفه‌های صلاحیت کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی شامل ۴ مؤلفه خلاقیت، ریسک‌پذیری، تصمیم‌گیری و مدیریت تحولی شناسایی شدند. سپس با توجه به زیرمؤلفه‌های به‌دست‌آمده پرسشنامه صلاحیت کارآفرینی طراحی شد. برای تعیین حجم نمونه در بخش کمی، از فرمول نمونه‌گیری کوکران استفاده شد و پرسشنامه در اختیار ۲۰۷ نفر از مدیران که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند، قرار گرفت. به‌منظور بررسی اعتبار و میزان دقت پرسشنامه، از اعتبار صوری و اجماع صاحب‌نظران استفاده گردید. برای پایایی و سازگاری درونی گویه‌های پرسشنامه از مقیاس آلفای کرونباخ استفاده شد که با انجام یک پیش‌آزمون بر روی ۴۰ پاسخگوی تصادفی انتخاب‌شده مبادرت شد؛ که پایایی کل پرسشنامه (۰/۸۰) محاسبه گردید. نتایج نشان داد که شناسایی برنامه‌های کارآفرینی از دیدگاه مدیران مدارس بسیار مهم و قابل توجه است؛ چراکه برنامه‌های کارآفرینی می‌تواند مانعی قوی جهت رکود علمی باشد و انگیزش لازم جهت فراگیری مدیران فراهم نموده و به تغییرات بسیار مثبت در محیط مدارس منجر شود.

**کلیدواژه:** صلاحیت کارآفرینی، مدیران مدارس، ابتدایی.

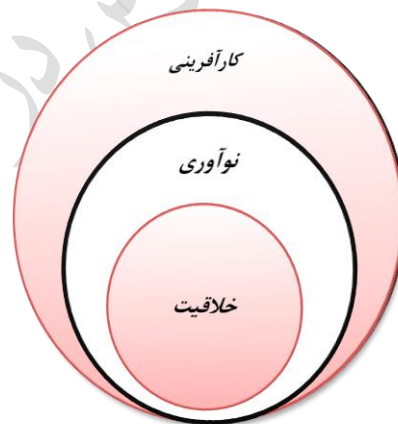
## مقدمه

یکی از مهم ترین ارکان پیشرفت هر جامعه نظام آموزشی آن جامعه است. این پیشرفت ماحصل مطالعات مکرر در بهبود روند رو به رشد آموزش و پرورش است که شکل ابتدایی آن تعلیم و تربیت فرزندان آن جامعه است. تجربه نشان داده است هر کشوری که نظام آموزشی پویایی داشته باشد از انحطاط به دور است. یونسکو<sup>۱</sup> (۲۰۰۸)، آموزش را کلید توسعه جوامع و مسیری می‌داند که افراد را برای تحقق توانایی‌ها و افزایش کنترل بر تصمیم‌های اثرگذار بر آن‌ها توانمند می‌سازد. در دنیای معاصر، سرمایه‌گذاری بر منابع انسانی فرهیخته، رسالتی ملی و فراملی محسوب می‌گردد. علاوه بر این، تأکید بر توسعه دانش و شایستگی‌های فردی و آمادگی برای عصر تغییر و کارآفرینی مراکز علمی و پژوهشی، از مؤلفه‌های جوامع بالنده است (محمودی و همکاران، ۱۳۹۱). مدیر، معلم، دانش‌آموز در یک مدرسه هرکدام نقش ممتازی را ایفا می‌کنند. مدیریت یک مدرسه رهبری است که هر دو سبک رهبری وظیفه مدار و رابطه مدار را بکار می‌گیرد. چنین رفتاری از جانب مدیریت، باعث حمایت از معلمان و ایجاد تعهد در آنان می‌شود. دانش‌آموزان نیز با انگیزه روی تکالیفشان کار می‌کنند و به دانش‌آموزان دیگر احترام می‌گذارند (فربریگ، ۱۹۹۹). داشتن سبک مدیریت و رهبری مناسب از قبیل سبک رهبری تحول‌آفرین می‌تواند به اقدامات متفاوت و نوآورانه در مدیریت مدارس منجر گردد و بی‌شک این رفتارهای نوآورانه می‌تواند در کارایی و اثربخشی مدیریت مدارس امروزی نقش چشم‌گیر و مهمی را ایفا نماید. چراکه رهبری تحولی که بر اساس روابط عاطفی و شخصی میان رهبر و زیردستان استوار است (بهرنگی و موحدزاده، ۱۳۹۰). مدرسه کارآفرین مدرسه‌ای است که علاوه بر آموزش‌های تئوریک با برگزاری کلاس و کارگاه‌های مختلف به آموزش توانمندی‌های اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی، رویکردهای خلاقانه و... می‌پردازند. چنین مدرسه‌ای حامی معلمان است و آنان را هدایت می‌کند تا سطح عملکرد خود را ارتقاء بخشند. مدیر علاوه بر نفوذ در روسا، در فکر و عمل خود استقلال دارد. دانش‌آموزان در مدرسه سالم و با انگیزه بالا در فعالیت‌های علمی شرکت می‌کنند، وسایل آموزشی و کمک‌آموزشی در دسترس آنان است و سرانجام این‌که معلمان همدیگر را دوست می‌دارند، به یکدیگر اعتماد می‌کنند و در کار خود دلسوز هستند (عباس پور، ۱۳۹۷).

کارآفرینی فرآیند یا مفهومی است که در طی آن فرد کارآفرین با ایده‌های نو و خلاق و شناسایی فرصت‌های جدید، با بسیج منابع به ایجاد کسب و شرکت‌های نو، سازمان‌های جدید و نوآور رشد یابنده مبادرت می‌ورزد. این امر توأم با پذیرش خطرات است ولی اغلب منجر به معرفی محصول یا ارائه خدمت به جامعه می‌شود؛ بنابراین «کارآفرینان» عوامل تغییر هستند که گاهی موجب پیشرفت‌های حیرت‌انگیز نیز شده‌اند. افراد کارآفرین از ویژگی‌های شخصیتی خاص و گوناگونی برخوردار می‌باشند. طبیعی است که برخی از ویژگی‌های کارآفرینان متمایز و برجسته از سایر افراد است به‌طور مثال داشتن خلاقیت و نوآوری، دارا بودن قدرت ابهام، داشتن اعتماد به نفس و عزت نفس، آینده‌نگر و عمل‌گرا بودن و فرصت شناس بودن (طراوتی مصفا و همکاران، ۱۳۹۳). نتیجه جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی نشان می‌دهد که پژوهش‌های زیادی در ارتباط با طراحی الگوی کارآفرینی فناورانه در مدارس حوزه آموزشی، صورت نگرفته و یا انتشار نیافته است و از طرفی علی‌رغم نقش و اهمیت کارآفرینی در ابعاد زندگی فردی،

<sup>1</sup> UNESCO (United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization)

خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگ، از نظام آموزشی هر کشوری انتظار می‌رود افراد شایسته کارآفرین را تربیت نماید. به همین دلیل در برنامه‌های آموزشی کشورهای توسعه‌یافته آموزش کارآفرینی در مدارس جزء لاینفک برنامه‌های درسی رسمی غیررسمی آن کشورهاست. در بسیاری از کشورها برنامه متناظر با کارآفرینی در مدارس و دانشگاه‌ها ارائه شده است. اهمیتش هنوز به گونه‌ای شایسته مورد بررسی واقع نشده است (مزیدی و همکاران، ۱۳۹۹). پیتر دراگر<sup>۱</sup> (۱۹۸۵) کارآفرینی را به مفهوم جستجوی دائمی برای تغییر و واکنشی در برابر آن و بهره‌برداری از آن را، به عنوان یک فرصت بیان می‌کند. عمل کارآفرینی اشاره به کشف، ارزیابی و بهره‌برداری از فرصت‌ها دارد. این به عبارت دیگر یعنی: تولیدات و خدمات یا فرایندهای تولیدی جدید، اشکال سازمانی و راهبردهای جدید و بازارهای جدید برای تولیدات و همچنین درون دادهایی که قبلاً موجود نبودند (نقل در حسینی و کاظمی، ۱۳۹۰). شومپتر<sup>۲</sup> (۱۹۳۴) فرایند کارآفرینی را «تخریب خلاق» می‌نامد؛ به عبارت دیگر ویژگی تعیین‌کننده در کارآفرینی همانا انجام کارهای جدید و یا ابداع روش‌های نوین در امور جاری است؛ و روش نوین همان تخریب خلاق می‌باشد. کارآفرینی مستلزم وجود دو مؤلفه‌ی خلاقیت و نوآوری است. به این معنا که در ابتدا مؤلفه‌ی خلاقیت و بعد از آن مؤلفه‌ی نوآوری پدیدار می‌شود و در صورت ظهور هر دو مؤلفه کارآفرینی رخ می‌دهد؛ بنابراین می‌توان گفت که خلاقیت پیش‌نیاز نوآوری و نوآوری پیش‌نیاز پدیده خلاقیت است؛ به عبارتی دیگر خلاقیت در دل نوآوری و نوآوری در دل کارآفرینی جای گرفته است که در شکل زیر به وضوح قابل مشاهده است. رابطه این مؤلفه‌ها با همدیگر رابطه تعاملی است نه خطی (نوده، ۱۳۹۱).



شکل ۱. رابطه تعاملی بین خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی

<sup>1</sup> Peter Drucker

<sup>2</sup> Shompets

بنابراین کارآفرینی موفق، فرایند مداومی است که مبتنی بر خلاقیت، نوآوری و به کارگیری آن در بازار است.



شکل ۲. ارتباط کارآفرینی با خلاقیت و نوآوری به صورت خطی

به طور کلی افراد خلاق و نوآور با شور و اشتیاق، اما به طور واقع بینانه اهدافی را دنبال کرده و قادرند نتایج سازمانی و تجاری حاصل از نوآوری هایشان را تشخیص دهند. آن‌ها می‌توانند گام‌های لازم برای تبدیل ایده به واقعیت را تعیین، تدوین و اجرا نمایند. آن‌ها اهل عمل بوده و منتظر صدور مجوز شروع نمی‌مانند. تعهد و فداکاری‌شان اغلب علایق دیگر افراد نظیر، خانواده را تحت الشعاع قرار می‌دهند (صفاران و خسروانی زنگنه، ۱۳۹۴). احمدپور کریم‌آبادی (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان ارائه مدل توسعه توانمندی‌های کارآفرینی در دانش‌آموزان دختر پایه ششم ابتدایی شهرستان بندر ماهشهر انجام داده است. نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش حاکی از آن بوده است که وضعیت کنونی کاربست کارآفرینی در محتوای آموزشی رسمی کشور حاکی از وجود موانع ساختاری، مغایرت محتوای آموزش با دنیای واقع، ضعف نظام برنامه‌ریزی آموزشی، بی‌توجهی تعمیم‌یافته به مسائل مرتبط با توسعه توانمندی‌های کارآفرینی در کنار عدم کفایت آموزش‌ها و گریز از مطرح‌شدن ذیل یک نیاز ضروری بوده است و همین عوامل به میانجی و مداخله‌ی پردشدگی کارآفرینی به مثابه یک امر فرهنگی، عدم سرمایه‌گذاری در این خصوص، سیاست‌های تبعیض‌آمیز و وجود قوانین ناکارآمد بر شدت این مسئله افزوده است. فرجام چنین وضعیتی بدون تردید واپس ماندگی کشور را روز به روز تسریع خواهد نمود. ماکوتا مانی<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان «آموزش کارآفرینی: یک منظر دانش‌جویانه» مطالعه‌ای تجربی جهت کشف آموزش کارآفرینی در رشته مهندسی از دیدگاه دانشجویان انجام داد. در پایان داده‌های به دست آمده نشان داد که آن‌ها مهارت تصمیم‌گیری، ظرفیت ریسک‌پذیری، خلاقیت، مهارت‌های ارتباطی و توانایی تهیه برنامه تجاری را جزء مهم‌ترین مهارت‌های ارتباطی کارآفرینی موفق می‌دانند. علاوه بر این به‌زعم این دانشجویان، کمبود تجربه و فقدان بودجه از مهم‌ترین عوامل بازدارنده در آموزش کارآفرینی هستند. طغرایی و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان طراحی الگوی آموزش کارآفرینانه در مدارس انجام داده‌اند. پس از طبقه‌بندی و سازمان‌دهی داده‌ها، انجام مقایسه‌های مداوم و رفت‌وبرگشت‌های متوالی میان جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و همچنین بهره‌گیری از ادبیات پژوهش، ابعاد و مؤلفه‌های آموزش کارآفرینانه شناسایی شدند. نگرش کارآفرینانه معلم، مسئولان، تصمیم‌گیرندگان مدرسه و والدین به عنوان «عوامل علی»؛ جو کارآفرینانه، محیط بازی گونه و فضاهای جذاب آموزشی به عنوان «عوامل زمینه‌ای» و آموزش کارآفرینانه در مدارس و هوشیاری کارآفرینانه، برنامه‌ریزی آموزشی و کارآفرینانه به عنوان «شرایط محیطی آموزش کارآفرینانه» در مدارس ارائه شد. آموزش مبتنی بر خلق ارزش که مقوله محوری اصلی در آموزش کارآفرینانه در مدارس است، بر راهبردها و اقدامات «آموزش به همراه انجام، تکالیف کارآفرینانه، تیم‌های کارآفرینانه، شوق کارآفرینانه، یادگیری کارآفرینانه، تعامل با دنیای واقعی، ارزشیابی انعطاف‌پذیر و چندجانبه و تأکید بر شناخت و فراشناخت استوار است. در نهایت خلق ارزش

1. Mukta Mani

جدید، تربیت دانش آموز خلاق، نوآور و چندبعدی و پرورش دانش آموز توانمند دارای مهارت، به عنوان پیامدها و نتایج آموزش کارآفرینانه در مدارس شناسایی شدند. حسنی (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان ارائه الگوی کارآفرینی دانشگاهی برای دانشگاه فنی و حرفه‌ای (مطالعه موردی دانشکده‌های فنی دختران) انجام داده است. در این تحقیق برای ارائه الگوی کارآفرینی دانشگاهی ابعاد کارآفرینی دانشگاهی شناسایی و سپس الگوی کارآفرینی دانشگاهی ارائه شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مدل پیشنهادی کارآفرینی دانشگاهی برای دانشگاه فنی و حرفه‌ای ویژه دختران دارای دو بعد ساختاری و فرایندی می‌باشد. مؤلفه‌های شناسایی شده بعد ساختاری شامل مؤلفه‌های: چشم‌انداز کارآفرینانه، فرهنگ نوآوری، ساختار حمایتی، قابلیت ارتباطی و شبکه‌ای، نظام پژوهش و شایستگی‌های کارآفرینانه می‌باشد. بعد فرایندی دانشگاهی شامل چهار مؤلفه: رهبری کارآفرینانه، برنامه‌ریزی درسی، فرایند یاددهی-یادگیری و فرایند تجاری‌سازی می‌باشد. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که وضعیت موجود ابعاد فرایندی کارآفرینی دانشگاهی در دانشگاه فنی و حرفه‌ای ویژه دختران نسبت به ابعاد ساختاری کارآفرینی دانشگاهی بهتر می‌باشد.

در افراد قابلیت‌های وجود دارد که پرورش این قابلیت‌ها موجب کارآفرینی آن‌ها می‌شود. از مهم‌ترین این ویژگی‌ها خلاقیت، خطرپذیری، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و استقلال‌طلبی و ... است (کوئیستر؛ وینبرگر و مک کلند، ۱۹۹۱). روش‌های آموزشی ابزارهایی برای رسیدن به اهداف دوره‌های کارآفرینی هستند که معمولاً بر اساس اهداف انتخاب می‌شوند. به عقیده بلاک و استامپ<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) در مواردی که هدف از آموزش، فقط کسب دانش و مفاهیم مرتبط با کارآفرینی باشد، بهتر است از روش‌هایی نظیر سخنرانی و بحث و گفت‌وگو استفاده شود و ممکن است در برخی موارد ارتباطاتی هم به‌طور مستقیم با کارآفرینان برقرار گردد. نیونی، آقاجانی و الهوردی‌زاده (۱۳۸۷) به این نکته اشاره کرده‌اند در دوره‌های کارآفرینی فقط به جنبه نظری توجه نشود، بلکه آموزش کارآفرینی توأم با عمل باشد. والیرو، پارتن و راب<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) در مطالعه‌ی خود به بررسی نوآوری‌های آموزش کارآفرینی پرداخته است، به روش‌هایی نظیر یادگیری مبتنی بر عمل یادگیری تلفیقی اشاره کرده است. به عقیده وی، شرایط یادگیری در آموزش کارآفرینی باید به‌گونه‌ای باشد که در آن آموزش‌های کلاسی با آموزش‌های محیط کار تلفیق گردد. استفاده از نمایشگاه و جشنواره‌های کارآفرینی یکی دیگر از روش‌های اثربخش آموزش کارآفرینی است. همچنین به این نتیجه دست‌یافت که مدل‌های سنتی که در دوره‌های زمانی ترمی یا نیم سال ارائه می‌شد، برای آموزش کارآفرینی کافی نیست؛ لذا می‌بایست در روش‌های تدریس نوآوری ایجاد شود؛ ازجمله: نوآوری در زمان دوره‌ها، هدف و محتوای دوره‌های کارآفرینی. همچنین بهره‌گیری از اینترنت جهت آموزش کارآفرینی در هر جا و هر زمانی، استفاده از این آموزش‌ها را برای مخاطبان و در هر دوره‌ای از زندگی ممکن ساخته است. علی میری به نقل از روش‌تات<sup>۳</sup> (۱۳۸۷) بیان می‌کند که یک برنامه‌ی آموزشی اثربخش باید به دانشجویان بیاموزد که چگونه در قالب کارآفرینی رفتار مناسب از خود بروز دهند. لذا، انتخاب محتوای مناسب جهت ارائه در دوره‌های آموزش کارآفرینی حائز اهمیت است. در خصوص علل اهمیت آموزش کارآفرینی می‌توان گفت که کارآفرینی از محورهای رشد و توسعه‌ی اقتصادی دارای اهمیت است، زیرا

1. Koestner and Weinberger & McClelland

2. Block and Stamp

3. Valerio and Parton & Robb

4. Roshti

۱) موجب ایجاد اشتغال می شود؛ ۲) باعث افزایش سود و سرمایه سرمایه‌گذاران می شود؛ ۳) موجب گذر از رکود اقتصادی، جبران عقب‌ماندگی‌های اقتصادی و آسان شدن روند رشد و توسعه کشور می شود (خشکاپ، ۱۳۸۸). با توجه به پدیده‌ی جهانی شدن اقتصاد، برخی از اندیشمندان بر این عقیده‌اند که بازارهای این ده از آن شرکت‌هایی است که به ریسک‌پذیری کارآفرینانه بها می‌دهند، برای گسترش سرمایه‌های فکری خود در حد کلان سرمایه‌گذاری می‌کنند، در بالندگی فردی پرتلاش‌اند و در خط‌مشی‌گذاری، شرایط محیطی را مدنظر قرار می‌دهند. بر همین اساس، توسعه‌ی کارآفرینی از جنبه‌های گوناگون مدنظر قرار گرفته که آموزش، یکی از جنبه‌های مهم و در راستای گسترشان، می‌باشد (احمدپور، ۱۳۸۱).

درحالی‌که کشورهای توسعه‌نیافته علت توسعه‌نیافتگی خود را نادیده گرفتن اهمیت کارآفرینی در توسعه‌ی اقتصادی کشور خود می‌دانند. متأسفانه هنوز در کشور ما کارآفرینی جای خود را باز نکرده است؛ و برای توسعه کشور راهی جز کارآفرینی نداریم. نیاز امروز کشور کارآفرینان است، زیرا کارآفرین است که با ویژگی‌های خود می‌تواند کسب‌وکار جدید به وجود آورد و خیل جوانان بیکار را به فعالیت وا دارد و اقتصاد کشور را رونق و شکوفا سازد (آراستی، کنعانی و سیدقاسمی، ۱۳۹۲). با توجه به توضیحات بالا، محققین را بر آن داشت تا در نوشتار حاضر در پی یافتن مدل یا رویکردی باشیم که مشخصات بنیادین مدل‌های صلاحیت کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی را در خود ملحوظ بدارد تا در نهایت بتوانیم عناصری را که در موفقیت و اثربخشی برنامه‌های رشد حرفه‌ای تربیت‌معلم مهم و اساسی تلقی می‌شوند، شناسایی نماییم. از این رو، پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال‌های زیر می‌باشد:

۱. صلاحیت‌های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی کدامند؟
۲. ابعاد صلاحیت‌های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی کدامند؟
۳. شاخص‌های صلاحیت‌های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی کدامند؟
۴. اولویت‌بندی صلاحیت‌های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی به چه صورت است؟

#### روش پژوهش

انتخاب روش انجام پژوهش بستگی به هدف‌ها و ماهیت موضوع پژوهش و امکانات اجرایی آن دارد. هدف از انتخاب روش پژوهش آن است که محقق مشخص نماید چه شیوه و روشی را اتخاذ کند تا او را هر چه دقیق‌تر، آسان‌تر، سریع‌تر و ارزان‌تر در دستیابی به پاسخ یا پاسخ‌هایی برای پرسش یا پرسش‌های پژوهش موردنظر کمک کند (نادری و سیف نراقی، ۱۳۸۲). پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است، زیرا انتظار می‌رود از نتایج آن جهت ارائه الگویی جهت تربیت مدیران مدارس ابتدایی استفاده شود. چراکه هدف پژوهش کاربردی در جهت رشد و بهتر کردن یک محصول یا روال یک فعالیت و خلاصه‌آزمودن مفاهیم نظری و مجرد (ذهنی) در موقعیت‌های واقعی و زنده است (نادری و سیف نراقی، ۱۳۸۲). پژوهش‌ها می‌توانند به سه صورت کمی<sup>۱</sup>، کیفی<sup>۲</sup>

1. Quantitative approach  
2. Qualitative approach

یا ترکیبی<sup>۱</sup> انجام شوند. انتخاب رویکرد، روش و ابزار، به مسئله و هدف پژوهش بستگی دارد (منصوریان، ۱۳۹۴)؛ بنابراین با توجه به مسئله و هدف پژوهش حاضر، این پژوهش از رویکرد ترکیبی بهره گرفته است.

پژوهش حاضر از نوع اکتشافی می باشد، به عبارتی ابتدا بخش کیفی آن با روش تحلیل محتوای استقرایی انجام گرفت و سپس از تم های استخراج شده پرسشنامه ای به منظور اجرای بخش کمی و پیمایش تدوین شد. جامعه آماری پژوهش شامل جامعه آماری بخش کمی و جامعه آماری بخش کیفی است. جامعه پژوهش در بخش کیفی ۸ نفر از متخصصان حوزه تعلیم و تربیت و مدیران مدارس هستند. این متخصصان توسط محقق شناسایی شدند و با آن ها مصاحبه نیمه ساختاریافته<sup>۲</sup> صورت گرفت. در بخش کمی جامعه پژوهش از مدیران مدارس ابتدایی نواحی ۴ گانه کرج تشکیل می شود. در این پژوهش در ابتدا به منظور جمع آوری و تولید داده ها از نمونه گیری هدفمند استفاده شد. بر اساس این نمونه گیری پژوهشگر مشارکت کنندگان یا منابع داده هایی انتخاب شدند که بتوانند به سؤالات پژوهش پاسخ دهند (گلیزر و اشتراوس<sup>۳</sup>، ۱۹۶۷؛ برایانت و چارماز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷؛ چارماز، ۲۰۰۶؛ چارماز و برایانت، ۲۰۱۱) نمونه گیری هدفمند داده های اولیه را که پژوهشگر تحلیل می کند، فراهم می نماید. پس از توسعه مجموعه ای از کدها و کتگوری ها از مجموعه داده های اولیه از نمونه گیری نظری استفاده شد. در واقع نمونه گیری نظری به منظور شناسایی و پیگیری سرنخ ها از تحلیل، پر کردن شکاف ها، شفاف کردن عدم قطعیت ها، چک کردن ظن و گمان ها و تفسیرهای آزمایشی در طول پیشرفت مطالعه استفاده شد. بیرکس و میلز<sup>۵</sup> (۲۰۱۵) نمونه گیری نظری را به عنوان فرایند شناسایی و پیگیری سرنخ هایی که در هنگام تحلیل داده ها در مطالعه گراندد تئوری برمی خیزند، تعریف می کنند. هدف از نمونه گیری نظری این است که پژوهشگر بتواند به وسیله نمونه گیری از مشارکت کنندگان یا موادی جدید که اطلاعات مرتبط را فراهم می کند، داده ها را دنبال نمایند و منجر به توسعه کتگوری نظری شوند. در طی این فرایند اطلاعات اضافی به منظور اشباع کتگوری های تحت توسعه جستجو می شود (چارماز، ۲۰۱۲). در مطالعه کیفی فرمول واحدی برای تعیین اندازه درست نمونه وجود ندارد. عمق، پیچیدگی و غنای داده ها اهمیت اساسی دارد. پاول (۱۳۷۹) در مورد اندازه نمونه در مطالعات کیفی کارآفرینی مدیران مدارس، راه حل ساده را در این می بیند که گردآوری داده ها تا زمانی ادامه یابد که عناصر اساسی مطالعه به حد اشباع برسند، یعنی تا زمانی که افراد نمونه، دیگر چیزی به داده ها اضافه نکنند و یا آنچه مطرح می کنند، در تضاد با دانسته های گردآوری شده نباشد (حریری، ۱۳۸۵). برای نمونه گیری جامعه بخش کمی که مدیران مدارس نواحی ۴ گانه کرج بود، نمونه گیری تصادفی خوشه ای<sup>۶</sup> که نوعی نمونه گیری احتمالی است به کار برده شد. در این پژوهش، برای تعیین حجم نمونه از میان جامعه مدیران مدارس نواحی ۴ گانه کرج، از فرمول نمونه گیری کوکران- که در زیر نمایش داده شده است- استفاده شد؛ بنابراین با توجه به تعداد جامعه آماری کتابداران ( $N=450$ )، با در نظر گرفتن سطح معنی داری ۹۵ درصد و رقم ۱/۹۶ برای  $t$

1. Mixed method

2. Concurrent

2. semi-structured interview

3. Glaser & Strauss

4. Bryant & Charmaz

5 Birks & Mills

6. Cluster sampling

و درجه اطمینان (d) ۵ درصد و در نظر گرفتن ۰/۵۰ و ۰/۵۰ برای p (احتمال مجموعه‌سازی مناسب) و q (احتمال عدم مجموعه‌سازی مناسب)، حجم نمونه پژوهش معادل ۲۰۷ نفر برآورد گردید.

در بخش کیفی نیز از روش مصاحبه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. در پژوهش حاضر با توجه به شیوع بیماری کرونا و وضعیت قرمز استان البرز مصاحبه‌ها به صورت اینترنتی انجام شد. بدین صورت که سؤالات مصاحبه برای مصاحبه‌شوندگان ارسال و از آن‌ها خواسته شد به طور کامل به سؤالات پاسخ دهند و سپس پاسخ‌ها را برای تحلیل‌گرها ارسال نمایند. تعداد افراد تحلیل‌گر داده‌ها ۳ نفر بودند که کار استخراج و دسته‌بندی داده‌ها توسط دو پژوهشگر و متخصص در این زمینه انجام شد و توسط یک متخصص دیگر نیز بررسی گردید. در قدم بعدی واحدهای معنایی تعیین گردید، سپس کدگذاری انجام شد، به این صورت که واحدها بر اساس مشابهت در یک طبقه قرار گرفتند و خرده مقولات تشکیل شد و بعد با ترکیب آن‌ها مقولات اصلی استخراج گردید. برای مقبولیت داده‌ها<sup>۱</sup> از ۴ معیار لینکلن و گوبا<sup>۲</sup> که شامل اعتبار<sup>۳</sup>، تأییدپذیری<sup>۴</sup>، قابلیت اعتماد<sup>۵</sup> و قابلیت انتقال<sup>۶</sup> است، استفاده شد (لینکلن و گوبا<sup>۷</sup>، ۱۹۸۵). برای اطمینان از معیارهای اعتبار و تأییدپذیری داده‌ها در پژوهش حاضر، از بررسی مداوم داده‌ها، تحلیل داده‌ها هم‌زمان با جمع‌آوری آن، مرور کدهای استخراج‌شده توسط مشارکت‌کنندگان (کدهای استخراج‌شده از مکالمات شرکت‌کنندگان در اختیار آن‌ها قرار گرفت و از نظر درستی برداشت از جملات آن‌ها، چک گردید)، بررسی روند تجزیه و تحلیل داده‌ها با دو تن از پژوهشگران روش کیفی و درگیری مداوم و طولانی‌مدت با داده‌ها استفاده شد. تأییدپذیری یافته‌ها نیز توسط ناظر خارجی آشنا به تحقیق کیفی، موردسنجش قرار گرفت، به این معنی که ایشان بخش‌هایی از متن مصاحبه به همراه کدهای مربوط و طبقات پدیدار شده را بررسی و تأیید نمود. نهایتاً، به منظور تضمین قابلیت انتقال نیز از مشارکت‌کنندگان مختلف از نظر جنس، سن و فرهنگ و ارائه نمونه نقل قول‌های شرکت‌کنندگان (به همان صورتی که اظهار کرده بودند) استفاده شد. به منظور شناسایی میزان اهمیت و اولویت‌بندی (رتبه‌بندی) شاخص‌ها، پرسشنامه‌ای طراحی و میان مدیران توزیع شد. برای سنجش شاخص‌ها از طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت از مقدار خیلی کم تا خیلی زیاد استفاده شد. پس از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها عودت داده‌شده از سوی مدیران مدارس، پرسشنامه نهایی جهت توزیع میزان نمونه آماری (که همان جامعه آماری است) طراحی شد. در نهایت جهت آزمون پایایی پرسشنامه نهایی از آلفای کرونباخ استفاده شد. این مقدار مؤید پایایی بالای پرسشنامه می‌باشد. برای آزمون روایی از نظر مدیران استفاده و تغییرات لازم نیز در جهت ابهام‌زدایی از سؤالات به عمل آمد. این پرسشنامه که حاوی ۳۵ سؤال است، جهت سنجش ابعاد و شاخص‌های صلاحیت‌های کارآفرینی مدیران مدارس طراحی شده است. ابعاد و سؤالات مربوطه در جدول زیر ارائه شده است.

1. Data trustworthiness
2. Lincoln & Guba
3. Credibility
4. Confirmability
5. Dependability
6. Transferability
7. Lincoln and Guba

جدول ۱. ابعاد پرسشنامه

ابعاد	سؤالات	تعداد گویه ها
خلاقیت	۱-۸	۸
ریسک پذیری	۹-۱۶	۸
تصمیم گیری	۱۷-۲۴	۸
مدیریت تحولی	۲۵-۳۵	۱۱

برای بررسی روایی محتوایی به شکل کمی، از دو ضریب نسبی روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI)، استفاده می شود. CVI به صورت تجمیع امتیازات موافق برای هر آیت که امتیاز "مرتبط اما نیاز به بازبینی" و "کاملاً مرتبط" را کسب کرده اند تقسیم بر تعداد کل متخصصان محاسبه شد. برای تعیین CVR از متخصصان درخواست شد تا هر آیت را بر اساس طیف سه قسمتی "ضروری است"، "مفید است ولی ضرورت ندارد" و "ضرورتی ندارد" بررسی نمایند. سپس پاسخها مطابق فرمول زیر محاسبه گردید.

$$CVR = \frac{n_E - \frac{N}{4}}{\frac{N}{4}} = \frac{12 - (\frac{15}{4})}{\frac{15}{4}} = \frac{4.5}{3.75} = .60 > .49$$

$$n_E = 12$$

$$N = 15$$

جدول ۲. جدول تصمیم گیری روایی

حداقل مقدار روایی	تعداد افراد پانل متخصصان
۰/۹۹	۵
۰/۹۹	۶
۰/۹۹	۷
۰/۸۵	۸
۰/۷۸	۹
۰/۶۲	۱۰
۰/۴۹	۱۵
۰/۴۲	۲۰
۰/۳۷	۲۵
۰/۳۳	۳۰
۰/۲۹	۴۰

برای اندازه گیری پایایی از شاخص "ضریب پایایی" استفاده می کنیم و اندازه آن معمولاً بین صفر تا یک تغییر می کند. ضریب پایایی "صفر" معرف عدم پایایی و ضریب پایایی "یک" معرف پایایی است. جهت سنجش ضریب پایایی از روش آلفای کرونباخ و از نرم افزار spss استفاده شد. جهت سنجش آلفای پرسشنامه ها در اختیار ۴۰ نفر از مدیران مدارس کرج قرار گرفت. سپس داده ها جمع آوری و وارد نرم افزار شده و مقادیر کرونباخ آن ها محاسبه شد. مقادیر آلفای کرونباخ ابعاد پرسشنامه در جدول زیر گزارش شده است.

جدول ۳. مقادیر آلفای کرونباخ

ابعاد	آلفای کرونباخ
خلاقیت	۰/۷۵
ریسک پذیری	۰/۷۸
تصمیم گیری	۰/۷۳
مدیریت تحولی	۰/۷۶
کل پرسشنامه	۰/۸۰

با توجه به اینکه مقدار کرونباخ محاسبه شده برای تمامی ابعاد و کل پرسشنامه بالای ۰/۷۰ است؛ بنابراین پرسشنامه از پایایی قابل قبولی برخوردار است. تجزیه و تحلیل داده ها در این تحقیق در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام شد. در این راستا از نرم افزار spss22 استفاده شد.

## یافته ها

جدول ۴. توصیف وضعیت جنسیت نمونه مورد مطالعه

وضعیت جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۱۱۶	۵۶
زن	۹۱	۴۴
کل	۲۰۷	۱۰۰/۰

همان طور که در جدول ۴ مشاهده می شود اطلاعات مربوط به وضعیت جنسیت نمونه مورد مطالعه، نشان می دهد که ۵۶ درصد از آن ها مرد و ۴۴ درصد آن ها زن بوده اند.

جدول ۵. توصیف وضعیت تحصیلات نمونه مورد مطالعه

وضعیت تحصیلات	فراوانی	درصد
لیسانس	۱۶۹	۸۱/۶
فوق لیسانس	۲۳	۱۱/۱
دکتری	۱۵	۷/۲
کل	۲۰۷	۱۰۰/۰

همان طور که در جدول ۵ مشاهده می شود اطلاعات مربوط به وضعیت تحصیلات نمونه مورد مطالعه نشان می دهد حدود ۸۲ درصد نمونه مورد مطالعه دارای مدرک لیسانس، ۱۱ درصد دارای مدرک فوق لیسانس و حدود ۷ درصد دارای مدرک دکتری بوده اند.

جدول ۶. توصیف وضعیت سنی نمونه مورد مطالعه

سن	فراوانی	درصد
کمتر از ۳۰ سال	۲۴	۱۱/۶
۳۰-۴۰ سال	۱۱۶	۵۶
بالای ۴۰ سال	۶۷	۳۲/۴
کل	۲۰۷	۱۰۰/۰

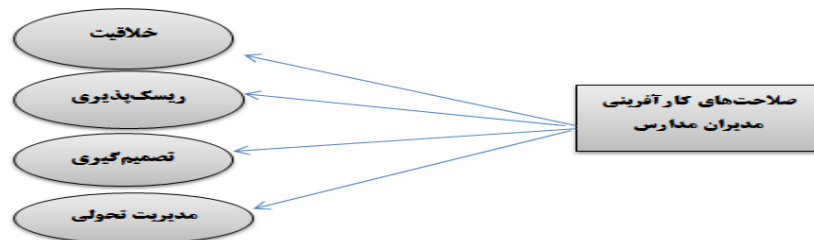
همان طور که در جدول ۶ مشاهده می شود اطلاعات مربوط به سن نمونه مورد مطالعه نشان می دهد که بیشتر آن ها با حدود ۵۶ درصد در دامنه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال و کمترین آن ها یعنی حدود ۱۲ درصد در دامنه سنی کمتر از ۳۰ سال بوده اند.

جدول ۷. توصیف وضعیت سابقه خدمت نمونه مورد مطالعه

سابقه اشتغال	فراوانی	درصد
۵ و کمتر از ۵ سال	۱۲	۵/۸
۵-۱۵ سال	۵۳	۲۵/۶
۱۵-۲۵ سال	۸۵	۴۱/۱
بالای ۲۵ سال	۵۷	۲۷/۵
کل	۲۰۷	۱۰۰/۰

همان طور که در جدول ۷ مشاهده می شود اطلاعات مربوط به سابقه خدمت نمونه مورد مطالعه نشان می دهد که ۵/۸ درصد دارای سابقه خدمت ۵ و کمتر از ۵ سال، ۲۵/۶ درصد آن ها دارای سابقه خدمت ۵-۱۵ سال و ۴۱/۱ درصد آن ها سابقه خدمت ۱۵ تا ۲۵ سال داشته اند و ۲۷/۵ درصد بالای ۲۵ سال سابقه بوده اند.

یافته های این پژوهش شامل دو بخش یافته های کیفی و کمی است. محقق برای پاسخگویی به این سؤال پژوهش که صلاحیت های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی کدام اند؟ از روش پژوهش کیفی نظریه داده بنیاد استفاده نمود. در این بخش محقق بر اساس بررسی مشابته ها و بررسی روابط درونی به ۴ طبقه با کد محوری دست یافت که این مؤلفه ها در قالب شکل ۱ ارائه شد.



شکل ۱. صلاحیت های کارآفرینی مدیران مدارس

جدول ۸. آمار توصیفی ابعاد صلاحیت های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی

انحراف استاندارد	میانگین	ابعاد
۰/۴۴	۳/۰۹	خلاقیت
۰/۳۹	۳/۲۶	ریسک پذیری
۰/۳۷	۳/۳۵	تصمیم گیری
۰/۳۶	۳/۳۳	مدیریت تحولی

از آنجایی که امتیازدهی در این پرسشنامه (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم) به ترتیب امتیازات (۲، ۱، ۵، ۴، ۳) می باشد و از آنجایی که طبق جدول بالا مقادیر میانگین ها در اکثر ابعاد بالاتر از ۳ یا همان سطح متوسط در پرسشنامه طیف لیکرت می باشد؛ بنابراین ابعاد قابل قبول هستند. همچنین طبق مقادیر میانگین ها اکثر نمونه ها به سؤالات پاسخ های خیلی زیاد و زیاد داده اند. بیشتر میانگین نیز با مقدار ۳/۳۵ مربوط به تصمیم گیری و کمترین آن با مقدار ۳/۰۹ مربوط به خلاقیت می باشد. انحراف استاندارد که نشان دهنده پراکنش داده ها می باشد، بیش ترین مقدار آن مربوط به خلاقیت با مقدار ۰/۴۴ است. مقادیر میانگین و انحراف معیار در جدول زیر گزارش شده است. بر اساس مقدار میانگین کلیه شاخص ها از اهمیت قابل ملاحظه ای برخوردار هستند.

جدول ۹. مقادیر میانگین و انحراف معیار

ابعاد	شاخص	میانگین	انحراف استاندارد
خلاقیت	۱ استفاده از راه حل های جدید	۳/۵۷	۰/۵۰
	۲ ایجاد تغییر	۳/۸۱	۰/۵۳
	۳ توانایی تحلیل گری مسائل	۳/۸۰	۰/۵۷
	۴ داشتن ابتکار	۴/۱۰	۰/۷۵
	۵ برگزاری نمایشگاه دست ساخته های دانش آموزان	۳/۸۳	۰/۷۰
	۶ داشتن ایده های نو	۳/۰۳	۰/۶۹
	۷ ارتقای مستمر کیفیت تدریس معلمان	۳/۹۸	۰/۷۰
	۸ توجه به تفاوت های فردی	۴/۱۵	۰/۷۲
	۹ داشتن اعتماد به نفس	۳/۵۲	۰/۵۴
ریسک پذیری	۱۰ پذیرش ایده های جدید و اجرای آنها	۳/۶۹	۰/۶۰
	۱۱ استقبال از چالش	۳/۷۶	۰/۶۵
	۱۲ دادن مسئولیت به دانش آموزان	۳/۷۰	۰/۶۰
	۱۳ ارتباط با نهادهای محلی و منطقه ای	۳/۸۰	۰/۶۵
	۱۴ استقلال فردی	۳/۷۱	۰/۶۳
	۱۵ استفاده از فرصت ها	۳/۷۹	۰/۶۵
	۱۶ اعتماد به معلمان و معاونین مدرسه	۳/۹۶	۰/۷۸

۱۷	برگزاری منظم جلسات شورای مدرسه، شورای معلمان، انجمن اولیا و مربیان، شورای دانش آموزی	۳/۶۴	۰/۵۸	تصمیم گیری
۱۸	بسط فعالیت های علمی و حرفه ای	۳/۵۹	۰/۵۶	
۱۹	تصمیم گیری آنی	۳/۶۱	۰/۵۶	
۲۰	برنامه ریزی استراتژیک	۳/۶۵	۰/۶۱	
۲۱	تصمیم گیری در شرایط مبهم	۳/۶۸	۰/۶۰	
۲۲	پذیرش مشکل	۳/۶۷	۰/۵۹	
۲۳	داشتن ذهن فلسفی	۳/۷۱	۰/۵۶	
۲۴	نظارت هوشمندانه و راهنمایی تعلیماتی	۳/۶۷	۰/۵۸	
۲۵	مدیریت کیفیت فراگیران معلمان و دانش آموزان	۳/۵۷	۰/۵۸	
۲۶	کاهش افت و تکرار پایه با همکاری معلمان و اولیا	۳/۶۳	۰/۶۲	
۲۷	تشکیل تیم های کاری در بین معلمان و دانش آموزان	۳/۶۴	۰/۵۹	مدیریت تحولی
۲۸	کاهش تعارضات بین معلمان و کارکنان	۳/۷۰	۰/۶۵	
۲۹	احترام به کلیه عوامل مدرسه	۳/۷۰	۰/۶۳	
۳۰	ارائه سیستم تشویق مناسب	۳/۷۴	۰/۶۲	
۳۱	انتخاب معلمان و معاونین کارآمد و اثربخش	۳/۶۸	۰/۶۰	
۳۲	توسعه مشارکت معلمان، اولیا، دانش آموزان در مدرسه	۳/۷۱	۰/۶۱	
۳۳	سنجش تغییرات	۳/۴۷	۰/۵۸	
۳۴	ارتباط دوطرفه با معلمان و دانش آموزان	۳/۵۹	۰/۵۹	
۳۵	ارائه مشاوره به کلیه ارکان مدرسه	۳/۰۹	۰/۶۰	

جدول ۱۰. آماره های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	نوع توزیع به کار گرفته شده	سطح معنی داری	مقدار خطا	تأیید فرضیه	نتیجه
خلاقیت	نرمال	۰/۰۶۹	۰/۰۵	OH	نرمال است
ریسک پذیری	نرمال	۰/۱۳۴	۰/۰۵	OH	نرمال است
تصمیم گیری	نرمال	۰/۰۷۱	۰/۰۵	OH	نرمال است
مدیریت تحولی	نرمال	۰/۱۰۲	۰/۰۵	OH	نرمال است

در این جدول با توجه به مقدار حاصل از آماره اسمیرنوف- کلموگروف می توان استنباط نمود که توزیع مورد انتظار با توزیع مشاهده شده برای تمام متغیرها تفاوت معنی داری ندارد و بنابراین توزیع این متغیرها نرمال است. از این رو برای آزمون فرضیات از آماره پارامتریک استفاده نمود.

### آزمون سؤالات پژوهش

- ابعاد صلاحیت های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی کدامند؟
- شاخص های صلاحیت های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی کدامند؟

➤ . اولویت بندی صلاحیت های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی به چه صورت است؟  
جهت آزمون سؤال های تحقیق از آزمون t تک نمونه ای برای تعیین وضعیت هرکدام از شاخص ها و آزمون فریدمن برای اولویت بندی عوامل و شاخص ها با توجه به نمره درصدی از داده های پرسشنامه صورت گرفت.

جدول ۱۱. نتایج t تک نمونه ای ابعاد

ابعاد	تفاوت میانگین	t	sig
خلاقیت	۰/۹۱	۲۹/۵۶	۰/۰۰
ریسک پذیری	۰/۷۴	۲۷/۱۳	۰/۰۰
تصمیم پیری	۰/۶۵	۲۵/۱۷	۰/۰۰
مدیریت تحولی	۰/۶۷	۲۶/۶۸	۰/۰۰

همان طور که در جدول ۱۱ مشاهده می کنید، مقادیر معنی داری تمامی ابعاد کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد بنابراین تمامی ابعاد به عنوان صلاحیت های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی حائز اهمیت می باشند. مقادیر t نیز میزان اهمیت هر یک از ابعاد را مشخص می کند. اولویت اول تا سوم شامل خلاقیت، ریسک پذیری، مدیریت تحولی می باشد.

جدول ۱۲. نتایج آزمون فریدمن

اولویت	میانگین رتبه	ابعاد
اول	۳/۰۵	خلاقیت
دوم	۲/۴۳	ریسک پذیری
چهارم	۲/۱۸	تصمیم گیری
سوم	۲/۳۴	مدیریت تحولی

طبق جدول ۱۲ رتبه اول تا چهارم ابعاد به ترتیب شامل خلاقیت، ریسک پذیری، مدیریت تحولی و تصمیم گیری می باشد. با توجه به نتایج به دست آمده کلیه ابعاد خلاقیت، ریسک پذیری، مدیریت تحولی و تصمیم گیری به عنوان ابعاد صلاحیت های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی می باشند. همچنین از دیگر نتایج به دست آمده اولویت بندی این شاخص ها می باشد. با توجه به نتایج، شاخص ها به عنوان ابعاد صلاحیت کارآفرینی مدیران مدارس پذیرفته شدند.

### بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش که باهدف ارائه الگوی مناسب صلاحیت های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی طراحی شده بود، یافته های مطالعه حاکی از آن است که مؤلفه های اصلی کارآفرینی مدیران مدارس دارای ابعاد زیر است: ۱. خلاقیت ۲. ریسک پذیری ۳. مدیریت تحولی ۴. تصمیم گیری. با توجه به اینکه در پژوهش های قبل، پژوهشی در خصوص ابعاد خلاقیت کارآفرینی مدیران مدارس انجام نگرفته است، در اینجا به ارتباط ابعاد و یا برخی مؤلفه ها در پژوهش های پیشین اشاره خواهد شد. یافته های مطالعه نشان می دهد که یکی از مؤلفه های الگوی کارآفرینی مدیران مدارس، خلاقیت است؛ بنابراین مدیران مدارس ابتدایی باید دارای شاخصه هایی از جمله استفاده از راه حل های جدید، ایجاد تغییر، توانایی تحلیل گری مسائل، داشتن ابتکار، برگزاری نمایشگاه دست ساخته های دانش آموزان، داشتن ایده های نو، ارتقای مستمر کیفیت تدریس معلمان، توجه به تفاوت های فردی می باشند. طغرای (۱۳۹۸)، عسکری فرد و

همکاران (۱۳۹۷)، خسروی پور (۱۳۹۴)، آقاجانی و گنجه خو (۱۳۹۲)، منطقی (۱۳۹۱) در پژوهش های خود به اهمیت خلاقیت اشاره کرده اند، با توجه به اینکه در این پژوهش خلاقیت به عنوان اولین بعد شناسایی شده است می توان گفت که این پژوهش همسو با این تحقیقات می باشد. بخش دیگر از یافته ها این پژوهش نشان داد؛ از ویژگی های الگوی مورد بحث می توان به مؤلفه های ریسک پذیری اشاره کرد که از مشخصه های آن می توان به داشتن اعتماد به نفس، پذیرش ایده های جدید و اجرای آن ها، استقبال از چالش، دادن مسئولیت به دانش آموزان، ارتباط با نهادهای محلی و منطقه ای، استقلال فردی، استفاده از فرصت ها، اعتماد به معلمان و معاونین مدرسه اشاره کرد. نتایج تحقیقات یورتکورو و همکاران (۲۰۱۴)، برچ و مدسن (۲۰۰۵)، وانگ و زانگ (۲۰۰۵)، بالکین و همکاران (۲۰۰۰) به ریسک پذیری و یا مخاطره پذیری و برخی از این مؤلفه ها اشاره شده است. نتایج نشان داد که مؤلفه مدیریت تحولی یکی دیگر از مؤلفه های الگوی صلاحیت کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی است. از ویژگی های این مؤلفه مدیریت کیفیت فراگیران معلمان و دانش آموزان، کاهش افت و تکرار پایه با همکاری معلمان و اولیا، تشکیل تیم های کاری در بین معلمان و دانش آموزان، کاهش تعارضات بین معلمان و کارکنان، احترام به کلیه عوامل مدرسه، ارائه سیستم تشویق مناسب، انتخاب معلمان و معاونین کارآمد و اثربخش، توسعه مشارکت معلمان، اولیا، دانش آموزان در مدرسه، سنجش تغییرات، ارتباط دوطرفه با معلمان و دانش آموزان، ارائه مشاوره به کلیه ارکان مدرسه است. همسو با یافته های مطالعه، در نتایج مطالعات عسکری فرد و همکاران (۱۳۹۷)، طبرسا و همکاران (۱۳۹۲)، موریس و همکاران (۲۰۰۸)، آیرلند و همکاران (۲۰۰۳) نیز به موضوع مدیریت تحولی یا برخی مؤلفه های آن اشاره شده است. آخرین مؤلفه به دست آمده از یافته های این پژوهش، تصمیم گیری است که دارای ویژگی هایی برگزاری منظم جلسات شورای مدرسه، شورای معلمان، انجمن اولیا و مربیان، شورای دانش آموزی، بسط فعالیت های علمی و حرفه ای، تصمیم گیری آنی، برنامه ریزی استراتژیک، تصمیم گیری در شرایط مبهم، پذیرش مشکل، داشتن ذهن فلسفی، نظارت هوشمندانه و راهنمایی تعلیماتی است. در پژوهش های عسکری فرد و همکاران (۱۳۹۷)، اختری و کشاورزی (۱۳۹۳)، حسین و همکاران (۱۳۹۱)، مبارکی و همکاران (۱۳۹۱)، نیز بر تصمیم گیری و یا مؤلفه های آن تأکید شده است شده است. تصمیم گیری نقش مهمی در فعالیت ها و اقدامات مدیران مدارس دارد. در اکثر پژوهش های انجام شده نیز بر تصمیم گیری و ارتباط آن با کارآفرینی تأکید شده است. در این پژوهش با استفاده از تحقیق کیفی و کمی (ترکیبی)، چارچوبی مفهومی برای صلاحیت کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی ارائه شده است که این الگو می تواند محققان و دست اندکاران برنامه های تربیت معلم را در تدوین برنامه های جامع یاری نماید؛ بنابراین شناسایی برنامه های کارآفرینی از دیدگاه مدیران مدارس بسیار مهم و قابل توجه است؛ چراکه برنامه های کارآفرینی می تواند مانعی قوی جهت رکود علمی باشد و انگیزش لازم جهت فراگیری مدیران فراهم نموده و به تغییرات بسیار مثبت در محیط مدارس منجر شود. در حقیقت کارآفرینی مدیران مدارس همیشه بسیار اثربخش است و در نهایت به خلق محیطی از فرصت ها در جهت شکوفایی بهتر علم و دانش کمک می کند. بر این اساس، با مرور مؤلفه های شناسایی شده مشخص می شود؛ توجه چندجانبه به کارآفرینی مدیران مدارس در تربیت معلم در الگوی پیشنهاد مشهود است، به نحوی که ابعاد مختلف و مرتبط کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی با نگاهی جامع احصاء شده است. اهمیت نتایج این پژوهش به این دلیل است که در بین نهادهای اجتماعی، آموزش و پرورش در جامعه نقش مهمی را ایفا می کند و از قدمت زیادی برخوردار است. البته یکی از ارکان آموزشی، نیروی انسانی و به خصوص مدیران مدارس

می‌باشند که شایستگی و صلاحیت آن‌ها حائز اهمیت است. امروزه به دلیل تغییرات عمیق در ساختار، برنامه‌ی درسی و جمعیت دانش‌آموزی؛ صلاحیت مدیران مدارس نیاز مبرم به بازسازی مجدد دارد. در واقع مدیران اثربخش باید به خلاقیت، ریسک‌پذیری، مدیریت تحولی و تصمیم‌گیری بیشتر توجه نمایند.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌گردد؛

- در طراحی و برنامه‌ریزی فعالیت‌های کارآفرینی، مبتنی بر هر یک از مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌های شناسایی شده برای کارآفرینی مدیران مدارس در این پژوهش، برنامه‌های کارآفرینی، طراحی و اجرا گردد و نتایج اجرای این برنامه‌ها، موردسنجش و ارزیابی قرار گیرد.
- با توجه به یافته‌های تحقیق به سیاست‌گذاران دانشگاه فرهنگیان و تربیت‌معلم پیشنهاد می‌گردد که در برای تربیت مدیران مدارس برنامه‌ای ویژه داشته باشند؛ چراکه مدیران به صورت تخصصی آموزش نمی‌بینند و از میان معلمان مدارس انتخاب می‌شوند.
- مدیران آموزش و پرورش مناطق در انتصاب مدیران مدارس، صلاحیت‌های کارآفرینی را بررسی و در عوامل گزینش مدیران مدارس لحاظ نمایند.
- در خصوص مدیران مناطق مختلف و دوره‌های تحصیلی مختلف در مورد موضوع پژوهش، تحقیقاتی انجام شود و نتایج به دست آمده با نتایج این تحقیق مورد مقایسه قرار گیرد.
- تحقیقات و مطالعات وسیع‌تر و جامع‌تر در مورد الگوهای صلاحیت کارآفرینی مدیران مدارس صورت گیرد تا جنبه‌های بیشتری از این الگوها موردبررسی و مطالعه قرار گیرد.

## منابع

- آراستی، زهرا؛ کنعانی، احمد؛ و سید قاسمی، نویسا سادات (۱۳۹۲). انگیزه‌های کارآفرینی زنان و مردان در بخش صنعت شباهت‌ها و تفاوت‌ها. نشریه‌ی زن در توسعه و سیاست، ۱(۱۱)، ۸۳-۱۰۰.
- احمدپورداریانی، محمود (۱۳۸۱). کارآفرینی (تعاریف، نظریات و الگوها). تهران: انتشارات پردیس.
- احمدپورداریانی، محمود؛ عزیزی، محمد (۱۳۹۱). کارآفرینی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- احمدپور کریم‌آبادی، فریبا؛ بهمنی، لیلا؛ برکت، غلامحسین (۱۴۰۰). ارائه مدل توسعه توانمندی‌های کارآفرینی در دانش‌آموزان دختر پایه ششم ابتدایی شهرستان بندر ماهشهر، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، ۱۴(۱): ۶۱-۹۵.
- بهرنگی، محمدرضا، موحذزاده، ایوب (۱۳۹۰). توسعه مدیریت آموزش بر محور رابطه رهبری تحولی آموزشی مدیران و رفتار شهروندی، سازمانی دبیران، فصلنامه تعلیم و تربیت، ۲۷(۲)، ۶۴-۵۷.
- تقی‌خانی، امیر (۱۳۹۰). موانع توسعه کارآفرینی و نقش دولت در تسهیل توسعه کارآفرینی. ماهنامه کار و جامعه (اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی)، ۳۵(۱۴): ۷۷-۸۰.
- حسنی، زهره (۱۳۹۵). ارائه الگوی کارآفرینی دانشگاهی برای دانشگاه فنی و حرفه‌ای (مطالعه موردی دانشکده‌های فنی دختران)، نخستین کنگره ملی زنان موفق ایران، تهران.
- حسینی‌خواه، علی (۱۳۸۷). امکان و ضرورت آموزش کارآفرینی در مدارس. فصلنامه مطالعات برنامه درسی (نشریه علمی - پژوهشی انجمن برنامه درسی ایران)، ۱۱(۳)، ۶۹-۷۶.
- روحی، لیلا (۱۳۹۳) بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری کارآفرینی در دانش‌آموزان مقطع متوسطه (مطالعه موردی: ناحیه ۱ شهرستان بهارستان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پیام نور تهران.
- صفاران، الیاس و خسروانی‌زنگنه، مریم (۱۳۹۴). تأثیر آموزش هنر در رشد خلاقیت، نوآوری و ارتقاء سطح مهارت‌های کارآفرینی کودکان پیش‌دبستانی (نمونه موردی کودکان مقطع پیش‌دبستانی دخترانه و پسرانه مبتکر نوین آموزش و پرورش منطقه ۵ تهران). فصلنامه تحقیقات بازاریابی نوین علمی - پژوهشی ویژه‌نامه چهارمین همایش ملی مدیریت و کارآفرینی، دانشگاه پیام نور مرکز خوانسار، ۱(۵)، ۷۹-۹۲.
- طغرابی، محمدتقی؛ میرواحدی، سید سعید؛ هاشمی، سمیه (۱۳۹۸)، طراحی الگوی آموزش کارآفرینانه در مدارس، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۷۱(۱۸): ۸۳-۵۹.
- عباس پور، عباس. (۱۳۹۷). مدیریت منابع انسانی پیشرفته: رویکردها، فرایندها و کارکردها. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
- علاقه بند، علی. (۱۳۹۸). مقدمات مدیریت آموزشی. تهران: ناشر روان.
- محمودی، امیرحسین؛ عابدی، اکرم؛ حیدری، یونس (۱۳۹۱). بررسی شایستگی‌های حرفه‌ای مدیران آموزشی. فصلنامه علمی - پژوهشی فرایند مدیریت و توسعه، ۲۵(۱)، ۹۲-۶۹.

- مرادی، حوریه؛ بیژنی، مسعود؛ کرمی، غلامحسین؛ و فلاح حقیقتی، نگین (۱۳۹۱). ارزیابی مقایسه‌ای ویژگی‌های روان‌شناختی مؤثر بر نگرش‌های کارآفرینانه در دانشجویان مهندسی کشاورزی مورد مطالعه: دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان. فصلنامه آموزش مهندسی ایران، ۱۴(۵۳)، ۶۵-۸۱.
- منصوریان، یزدان. (۱۳۹۴). روش تحقیق در علم اطلاعات و دانش شناسی. تهران: انتشارات سمت.
- مزیدی، وحیدی؛ مقدسی، علیرضا؛ سمیعی، روح‌الله؛ اشرفی، مجید (۱۳۹۹). طراحی الگوی آموزش کارآفرینانه در مدارس استان گلستان، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، ۱۴(۴)، ۲۳-۴۶.
- نبیونی، ابراهیم؛ آقاجانی، محمدرضا؛ الهوردی‌زاده، سهیلا (۱۳۸۸). بررسی تجربی پنج کشور موفق در زمینه‌ی توسعه‌ی آموزش کارآفرینی برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی. ماهنامه‌ی اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، ۱۰۸(۱۴)، ۸۱-۹۱.
- Block, Z., & Stumpf, S. A. (1990). Entrepreneurship education research: experience and challenge. Center for Entrepreneurial Studies, New York University, Leonard N. Stern School of Business.
- Freiberg, H.J. (1999). School climate. London: Falmer press, EC4A 3DE.
- Templer, A. J., & Cawsey, T. F. (1999). Rethinking career development in an era of portfolio careers. Career development international, 4(2), 70-76.
- Valerio, A., Parton, B., & Robb, A. (2014). Entrepreneurship education and training programs around the world: dimensions for success. World Bank Publications.